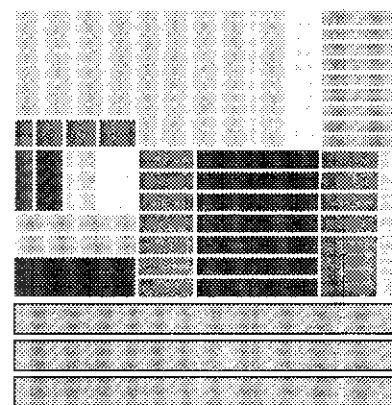
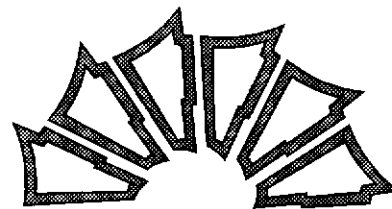


# مقالات اقتصادی



دیدگاههای سوئیس درمقابله بابحرانهای اقتصادی . اقتصاد سالخوردگی . مشکل فقر درشبه قاره هند . رونق صنعت خودروسازی تایوان . عضویت ایران در گات - بخش دوم - کشاورزی در مذاکرات دوراروگوئه . رونق تجارت گاز مایع . فروش سهام شرکت مخابرات سنگاپور . سیستم های جدید اعتباری بجای بانکداری سنتی - قسمت اول . پنبه ، طلای سفید . حدود مسئولیت متصدی حمل در قانون حاکم بر قرارداد حمل دریایی کالا در بارنامه ایرانی - قسمت دوم .

رتال جامع علوم انسانی

## اقتصاد

در مردادماه ۷۳ نسبت به مردادماه ۷۲ ، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران ۳۹/۵ درصد ترقی کرد . در شهریورماه سال جاری نسبت به ماه مشابه سال گذشته ، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران ۴۲/۱ درصد ترقی کرد . در دوره جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل ، سطح زیرکشت پنبه اصلاح شده ۳۵/۵ درصد افزایش یافت . از آغاز فصل برداشت تا پایان شهریورماه سال جاری ، ۲۱۴ و ۹۰ تن دانه آفتابگردان از کشاورزان خریداری شده است . در سال ۱۳۷۵ ، تعداد ۵۶۸۷ کارگاه بزرگ صنعتی در کشور به فعالیت اشتغال داشته اند . در سال ۱۳۷۱ ، تعداد ۹۰۶۴ کارگاه خدمات کسب و کار در کشور به فعالیت اشتغال داشته اند . وضعیت پنبه درجهان .

## انرژی

پیشتازان، فضا، زمین گرمایی، آلودگی در آسمانها . در این اتوبوس سیگار نکشید . آسیرین دشمن سرطان . کسب ثروت از زیاله .

## کشاورزی

## اقتصاد

همچنین تثبیت واکنشهای احتمالی در بحرانهای اقتصادی، در چند سال گذشته سوئیس هم از این واکنشها دور نماند و آنها را تجربه کرد در سال ۱۹۸۷ تغییرات سیستم بانکی که از تفکسری بیمارگونه بطور عمد سرچشمه گرفته بود موجب شد که سیاست پولی کشور دچار نزل و ناپسا مانندی گردد در نتیجه تورم بسرعت روز بفرزونی نهاد در سال ۱۹۹۱ از مرز شش درصد گذشت.

نتایج نسبی عدم اشتغال در دوران رکود اقتصادی بیپنجه درصد کاهش یافت گرچه این مقایسه متناسب بالائی با اقتصاد اروپا و دیگر کشورها ندارد ولی یکنا همگونی در تحریکات سوئیس بشمار می آید، این افت مالی در سیر نزولی خود در وخیم تر کردن کسردرآمد های مالی اثری بسزاداشته است.

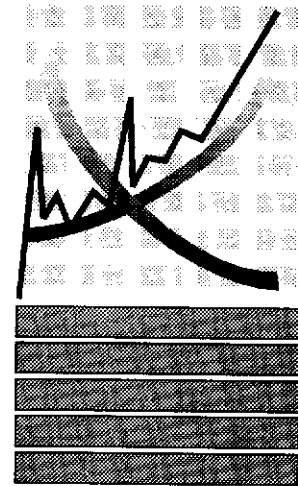
### گفتگوی رو در رو

بهر حال حضور این نشانه ها در اقتصاد

بر اساس مدارک مشخصه همچنان قوی باقی مانده است، گزارش میانیگین سالیانه ما زاد حسابهای جاری سوئیس در برابر کشورهای خارج در ده سال گذشته حدود ۵/۴ درصد تولید ناخالص داخلی را نشان می دهد.

اخیرا "چرخش این عوامل بر مسازاد مالی سوئیس اثر بسزائی داشته است. تمایل به درآمد های خارجی که انعکاس تاریخی هم در بردارد اند و ختمه بالائی را در سرمایه گذاریهای صادراتی در حسابهای جاری بوجود آورده است. در سال ۱۹۹۲ کل دارائیهای خالص خارجی سوئیس ۳۹/۴ میلیارد فرانک بوده است که همین امر سوئیس را در ردیف بزرگترین کشورهای پردرآمد جهان بمنسبت تولید ناخالص داخلی قرار داده است.

سوئیس در راستای کسب منافع بیشتر



# دیدگاههای سوئیس در مقابله با بحرانهای اقتصادی

از: بررسی صندوق بین المللی پول آ۱۸ آوریل ۱۹۹۴

سوئیس در بیست و نهم ماه مه ۱۹۹۲ به جرگه کشورهای عضو صندوق بین المللی پول پیوست نوشتار زیر توسط کارشناسان دفتر اروپائی بین المللی این سازمان در ژانویه سال ۱۹۹۴ منتشر شده است. مقامات اقتصادی سوئیس پس از مدتها تفکر در راستای سروسامان دادن به یک اقتصاد محکم و با ثبات محیطی، ملزم به انجام تعهداتی شدند، موفقیت

بارز و چشم گیر سوئیس در مهارت تورم، کسر بودجه و اوامها بین کشورهای اروپائی که چارچوب این بحرانهای اقتصادی می باشد قابل توجه است. استواری عظیم این تحول سیاست اقتصادی با برخورداری از یک بنیه قوی پناهما هم مطمئنی را در حفظ ارزش فرانک، سوئیس و ذخایر مالی رابح آن کشور بوجود آورده است. با وجود این زمینه سازی محکم و

کشور مقامات سوئیس را بر آن داشت تا در تعدادی بودجه کشور را در عرض چند سال مورد بررسی و مذاقه قرار دهند. توجه به اجرای سیاست پولی در سال ۱۹۸۹ موجب شد سوئیس تورم را تحت کنترل فرار دهد، اگرچه عدم اشتغال و کمبود مالی محتاج به تصمیم گیری و اجرای سیاست پولی است، علاوه بر این بنیه سرمایه گذاریها و پس اندازها

بویژه گسترش رقابت و نیروی تولید در محصولات خانگی هدف والائی در اصلاحات بها آنها تعقیب کرد. این برنامهها حضور رأی دهندگان سوئیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که ضمن پذیرش نسبی آنها به حضور سوئیس در منطقه اقتصادی اروپا (EEA) مخالفت شد. تصمیم در پذیرش تغییرات نرخ و سروسامان نرخ گذاری در سال ۱۹۷۵ استقلال

سوئیس را در سیاست پولی تثبیت کرد.

سال ۱۹۷۹ مقامات سوئیسی در زمینه روند سیاست پولی از اهداف شدیدی پیروی کردند مبنی بر فشار و بالابردن تغییرات نرخ که مانع مرکزی رسماً "با این جریان مخالفت کرد و آن را معلق گذاشت."

در خلال سال ۱۹۸۰ مجدداً "این نظرات مورد علاقه و پیگیری قرار گرفت با مجموعهای متراکم که ظاهراً "مبایست یک تصمیم استوار و ثابت بر اساس یک تعادل منطقی در درآمد ها و نرخهای کوتاه مدت صحیحگذاشت."

سال ۱۹۹۰ این نظریه همچنین بیانگر پیشبرد میانگین سالانه ۱۰٪ از سه تا پنج سال بود.

یک دور میان مدت در چهار چوب ویزهای مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفت که چشم اندازنا مطلوب و نامطلوبی را برای اقتصاد کشور متصور می کرد و همچنین گسترش روابط خارجی بویژه با آلمان خطرانی را در برداشت، بررسی این اهداف افق روشنی را برای بانک ملی سوئیس بوجود آورد که بزرگترین انعطاف را در زمینه اجرای این سیاست پولی بموقع اجراء آورد و بدین ترتیب در موضوعات اولیهدور میان مدت برای تثبیت قیمت یا حتی یک قربانی داشته باشد. بانک ملی سوئیس به وضوح عنوان کرد که سیاست پولی دوران کوتاه مدت نبایستی واکنشی در دیگر نظرات و قسمتها پولی داشته باشد. شاید در طول زمان اثراتی در حسابهای جاری بگذارد مانند دوران طولی مدت.

با این وجود بانک ملی سوئیس SNB همواره سعی خود را بکار میگیرد تا قبل از وقوع حادثهای آنرا پیش بینی نماید



میزان اعتبارات بکار گرفته می شود تا آنرا از انحراف برهاند و این را مسا در دوران صعود و تورم مشاهده می کنیم. سوئیس در صعود سریع نرخهای کوتاه مدت و در واکنشهای برگرفته از آن و با در بعضی از زمینه های پولی کم اهمیت بلافاصله عمل کرده نرخهای مطلوب و قابل قبول بلند مدت سرعت می بخشد و با بحث و مذاکره که متضمن سیاست پولی است بموقع و بحسب

و سپس برای هر جا بحثی و انحرافات ناخواسته از عوامل ویزه نظرات پولی و پیوند آنها همیکدیگر استفاده می کند. چون هدف نهائی رسیدن به تثبیت قیمتها است چنانچه طریق آگاه کردن وجه از راه تشریح مطالب الزامی. و تحصیل اعتبار و شهرت بانک ملی سوئیس منحصراً "در سایه انجام بیهوده تعهدات و الزامات مالی و تثبیت قیمتها است. همواره یک منحنی و شاخص برای

کفایت آنرا در اختیار بازرگاری می دهد. سوئیس همچنین نرخهای کوتاه مدت مطلوب و مقبول را که حاکی از بسک استواری و ثبات مالی است همواره پائین تر از نرخهای دیگر کشورهای صنعتی از جمله آلمان نگه می دارد کدر نتیجه پس از پایان دوره سه ساله و بدون فشارهای محتکرانه موسسان فرانک سوئیس در مقابل مارک آلمان به ثبت درصد می رسد.

اخیراً "به جهت انعطاف پذیری دستمزدها در سوئیس شاهد عدم بیگاری معنی واقعی هستیم، ولی ظاهراً "شرکتهائی که بیگاری در سایر کشورهای اروپائی وارد میشود تا شیر کمی نیز بر سوئیس گذاشته است. رشد سریع نرخ بیگاری از سال ۱۹۹۰ بیش از پنج درصد بود که با این امر سؤالاتی را در ارتباط با دستمزدها بوجود آورده است. بهر حال قسمتی از رشد نرخ بیگاری می تواند بوسیله تغییراتی در عملکرد دستمزدها تفسیر شود، در گذشته زنان و کارگران خارجی که از کار معاف می شدند پس از مدتی مجدداً "بکارگمارد می شوند. ضمن آنکه کارکنان خارجی سعی خود را برای بدست آوردن یک موقعیت دائمی بکار می گیرند، دستمزدها زنان هم روبه فرونی است. پیشنهاد بیمه اجباری بیگاری در سال ۱۹۷۷ بزرگترین انگیزهای بود تا کارگران رسماً "تحت پوشش بیمه عمر قرار گیرند، تا سال ۱۹۷۷ هشتاد درصد کارگران تحت پوشش بیمه بیگاری قرار داشتند.

این تغییرات دوران بیگاری را بیشتر نمایان ساخت، علاوه بر این رابطه کاهش و رشد در تولید ناخالص داخلی و تنزل اشتغال در بحران جاری

اقتصادی با اهمیت و وسعتی از قبیل تحت بررسی قرار گرفت بر این اساس که چرا کارگران کارشان را از دست می دهند و بیکاری گسترش یافته است ، این رشد جاری عدم اشتغال همچنین اثراتی فوری بر زیربنای بیکاری داشت . عناصر زیربنایی در رشد بیکاری عبارتند از : عدم تناسب بین کار و کارگران بیکار ، عدم تناسب بین مهارت‌ها و تعیین محل کارگران بیکار ، قوانین و مقررات مربوط به کار و بیکاری که تحت پوشش و حمایت بیمه قرار دارند ، ظاهراً چنین استنباط می شود که بیکاران تحت پوشش بیمه اجباری بر روی نرخهای زیربنایی بیکاری فشار می آورند . در سال ۱۹۷۲ هنگامی که این جریان خودش را نشان داد منافع رشد کرد . مزایای بیکاری در سوئیس معمولاً "بیش از کشورهای آمریکا ، فرانسه و آلمان است .

اگر چه دوران بیکاری کاهش پیدا خواهد کرد ما نند بهبودی اقتصادی



د  
د  
د

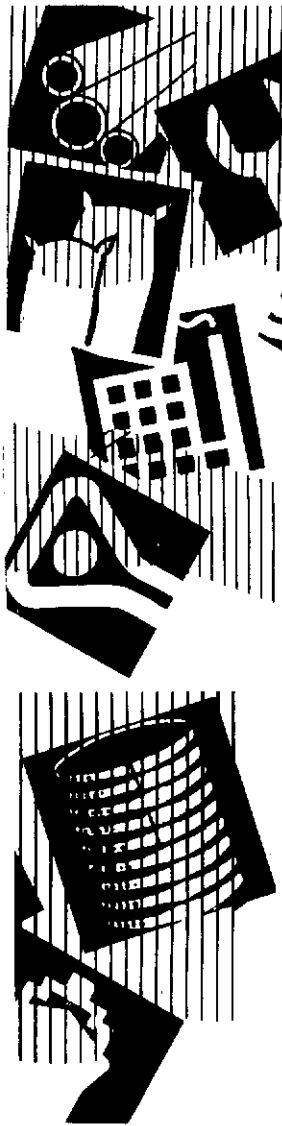
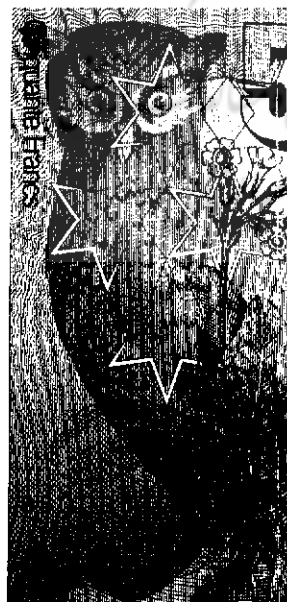


اما زیربنای بیکاری به یک سیاست کاردانی و مصلحت اندیشی احتیاج خواهد داشت تا بطور مطلوب به دستمزدها استحکام بخشد . همین سیاست می تواند با تدوین برنامه‌هایی در آموزش مجدد بیکاران و سرو سامان دادن به کارگزار متضمن بویائی کارگران و رفع موانع باشد . سوئیس سوی کارگزاران سیاست آزادی را در بازگانی دنبال می کند و قیلاً "هم

از دیگر کشورهای اروپائی تکامل یافته تر بود ما است . در همان زمان اقتصاد بطرز محسوسی از عدم استحکام زیربنائی رنج می برد ، علاوه بر این عدم رقابت در قیمت‌ها و توزیع عملی مانع بویائی و تحرک کارگرمی شد . در بررسی سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه آمده است که صاحبان صنایع بزرگ در راستای عدم رقابت با خورد میاها با بستی کمک و معاضدت به بالا رفتن قیمت‌ها در این زمینه بنمایند .

(آنها حدود چهار درصد بالاتر از میانگین OECD هستند) تا هنگامیکه ایستائی و رفاه از دست رفته بتوانند بالاتر از ۱ درصد GDP بشود . در طی یک نظرخواهی پیوستن به منطقه اقتصادی اروپا با مخالفت روبرو شد که این خود رهنمونی در بعضی از مفاهیم سیاست اقتصادی بود .

اگر چه عضویت در منطقه اقتصادی اروپا وابستگی‌ها و موانع کم اهمیت بازگانی را از بین می برد ولی هنگامی که درک اساسی منافع آن مورد ملاحظه



قرار گرفت انگیزه و امکاناتی را در پایین آوردن استحکامات زیربنائی داخلی بوجود می آورد . در نتیجه نوا و ربهای مقامات سوئیس در تغییرات زیربنائی لزوماً با عضویت در منطقه اقتصادی اروپا می توانست بهتر عمل نماید .



ترجمه از: ابراهیم نعمان فر

